

جزوه درس
کاربرد نظریه های یادگیری
دکتر مقامی

که در نظریه‌ها یادگیری در آموزش عالی است و گسترده و در مقاصد

عبارت اول:

نظریه‌ها در این دو بعد دارد: ۱- گستره در این ۲- مقاصد در این

تعریف آموزش: فعالیت و تغییر در بین طیف گسترده توسط معلم به منظور گسترش و توسعه یادگیری

و بعضی طرح و برنامه یادگیری اتفاق می‌افتد. پس دانش در مثال این هستیم و اساس

موقعیت‌ها جدید و موقعیت‌ها که این دو در این از تمام یادگیری نظریه‌ها متناسب با آن موقعیت

استفاده کنیم.

* نکته مهم: تعریف یادگیری: تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری افراد که در اثر

تجربه به دست می‌آید (نه در اساس آموزش) (مثل دوچرخه سواری).

«آموزش منجر به یادگیری می‌شود اما هر دو مفهوم یادگیری نیست»

* نظریه‌هایی که در مورد یادگیری وجود دارد:

* نظریه در این: فرد در به نام یادگیری که نسبت به سانس بود سانس است و دست‌ها در

یادگیری میزان فراوانی و وصل کرده بود که اتفاق عالی افتاد و یادگیری دیدیم

با بارش در وقت صبح درین جای و حاصله با او غیر به ترشح فراوان است هر سود و
خواست نماید با اتفاق مرافقه و رسیدن در جای هر وقت است او را در سید ترشح
ترشح فراوان مرگند و عهد اولی غیر آن که ظاهر است هر آورد عراست که با این
است (و رسیدن در S.R. محض و با صبح) پس وقت غیر از این هر سود
در سارکن با صبح هم از این هر سود، او از حوزه نیست شانس دارد که غیر ترشح
و در یک است شرط شده است، وقت در مورد کلامه (ظانسیال) (شرط
سند) محبت فرقی متوجه می شود که است و استه شده بود به علامت که از طرف
باولف از این هر سود، نظریه باولف توسط واسنون گسترش پیدا کرد و نهایتاً
رویکرد در بنام همان برای مشکل گرفت و در این رویداد افزودید در
اسمیت و ترا تراک، کارهای دیگر (ایم) دادند که، نظریه باولف است شرط سار
ظانسی و نظریه این است شرط سار گستر و وسایل

تقریباً هر چهار برابر دو دست هستند:

۱- کاربرد ۲ تا ۳ بار

• کاربرد این دانه هرگز در بدنه و روانست که خنک کننده است - (من تقریباً

تقطعی دارم) و در بنام جنین و در هم این است که اگر جزو اولین تقارین هست

تقریباً این زینت با شیرند است آنرا

وقتی در مورد کاربرد این عصب من کلمه اولین نفر نراندا است .

روانست که در بنام زینت خاص (رقت نران) تقریباً زیاد دارد و نظریه و معنی

تقریباً که نراندا است این بود که * یادگیری در نتیجه بیوفت بین مگر

و پاسخ است . مثال : بیچم بیویم اگر در بین جوان و سگ اول سبزه به

سبزه دو جرحه در دهم - یا هر کس دو جرحه در دهم به او و او را و عقل

عالم که سگ اول شود . که وقت جنین در این چه مرغی ذاتاً تقویت

لوانه که در دهم و دیگر مشط پاسخ میوه بود و همین است که دیگر در بین خوانند و این

کار با شیرند دارد . با اول تقارین در مورد مثال اول است که در آن سبزه سازگار

با یکدیگر R طاسا می‌نویسند و تمام آنها نظریه‌های مثل دهم بود.

در مورد دهم بی‌شک می‌گویند R و با هیچ S هم‌سوی نمی‌گردد و بدین نظریه می‌نویسند

گزارش می‌نویسند.

با دهمی و اساسی تعدادی گزارشی وجود می‌کند و در بعضی R طاسا دارد. در مورد نظریه

نزدیک و کارهای زیادی (مردان) این بوده که R طاسا عمدتاً صورت کوشش و

عظا اتفاق می‌افتاد مثل چندین یا یک نفر چون که هنوز هنوز آن کارها تمام

و از طریق کوشش (امتحان کردن همه فنونها و دکمه‌ها) به نتیجه می‌رسیم که این یادگیری

همچون تفکر و استدلال به دنبال من نیست و نتیجه می‌گیریم و وقتی در مورد کارهای

مثل نزدیک و اساسی صحبت می‌کنیم می‌خواهیم بدانیم از سبب و طو و تفکر انسان

در مورد یادگیری چه بوده است و وقتی می‌گویند S هم R با هیچ نظریه‌ها

چسبیده است و در نظریه با اول S است بعد R اتفاقاً در نظریه نزدیک

است R (نزدیک) و سپس S (دووجه) حاصل می‌شود.

* قانون اساسی در آنجا که قائل است به اصل ۱۹۱ (مفاد اصل)

در قانون اساسی که میگوید: «قانون اساسی بر سایر قوانین برتری دارد» و در ماده ۱۹۱ آمده است: «قانون اساسی بر سایر قوانین برتری دارد»

۱- قانون اساسی: هیچ قانون دیگری در کشور نمیتواند با آن مخالفت کند و هر چیزی که با آن
بین مردم و باسبب یا اگر در کشور بیشتر شود باسبب عقیده نیست و مجلس مبرا

عدم تشریح و بیرون دادن مردم و باسبب عقیده تر خواهد بود و قنایه این امر را در
جنبه کلیه قوانین مردم و در تمام قوانین حاضرین و باسبب عقیده است و این دراز

بیت و حق آن خواهد بود (در هر صورت به دانش آفرینان باویم که هر چه در این قوانین

حائز مردم و هر چه در این قوانین و جانیه هم ندیم (در میان قوانین عدم استفاده
هم مرگوست)

۳- قانون اساسی که اساس آن را در کشور و در میان آن را ماسی و خطا هر چیزی را بطور مکرر
و باسبب حقوق آنند یا بسبب تقویت مردم شود و در مجلس .

* مفاهیم پایه‌ای در تئوری زبان *

۱- باسیج چیست؟ (با معانی) : کنایه است عنده فستام و از او عودت در حرفم و او بسما

عودت در دهه و وقتی او جواب ندهد در بروم سراج نفر دوم به (ضال) : استفاده از

دوین کوشش و عطا دارد یا تصرف استعاره از عتفا و در کلمه های کثیر از تلفظ یون

۲- آقابیه یا تفریق : آقابیه یا تفریق است.

۳- غلبه عناصر : اگر معنیان معلوم هستیم قرار نیست که همه عناصر در یک بر ماموقیت

و کثیر باشد. اگر هر کس درسته است ما شین عز خواهد، خدا امر خواهد (معنی) عناصر

اعداد موقیت بیشتر هر کس ظاهر همان است نه غلبه کند و ظاهر و ظاهر را تفریق

۴- باسیج از راه قیاس : باسیج یا موقیت تا آسام اساس عناصر بیشتر است

هر کس که در موقیت انتقال یا تفریق : در موقیت اساس به موقیت اساس (تقابل)

و در (انتقال یا تفریق) و معنی دارم مثل (انتقال یا تفریق) یا تفریق در

سمت چپ است و طرفان به سمت است منتقل شده باشد و بین به دنبال

حکایتی در این تعلق ذکر کرده

۵- جابر گشت بایداغی : باز کردن درب و روشن کردن چراغ، صراطی است...

گفته اند که هر عاصه بدی که در کتب ما باشد همین است موصیای بر مختلف اعیان است و این

نوشته باسخ باستان باشد (ترشح فراوان).

* قانون یادگیری در نزد کتاب سین از سال ۱۹۴۰ :

۱- قانون ترمیم کتب بنظر نظر و کلاً آن را رد کرد و اسناد هر طایفه را ترمیم باید با هم شود

با ورود اعلام کرد.

۲- قانون اثر را کتب بنظر نظر کرد : ترمیم اثرها در یادگیری ندارد (از زمان باید عدم

تدارک هم نرسود فقط بازرسانه موصیای است).

۳- قانون تعلق ترمیمی : موصیای هر کس و باسخ به هم نزدیک باشد یادگیری بصورتی صورت

میگیرد (حدود کار آن و مدار فرقی را همین بار به فردستان دهد ... حذف هر کدام

باعث تداوم مورد حذف شده خواهد شد) چون مدار و حدود کار بهم تعلق داشته و

تفاوتی در بین این دو علم خاندان و علم نظم و منظم

لغتاً و منظم سازند و نظم را در آن دارند.

اصل و مقصد: یک باس یا کثرت شده در جهت بد و کثرت کثرت است

یا کثرت کثرت داده می شود. عناصر هر حقیر به لحاظ ساختار بهم نزدیک باشند

و هر که جهت باشند یا کثرت است به جهت از کثرت و نزدیک بهم جز به هم می شوند

۴- کثرت از جهت یک وضع هستند و کثرت را حتمال با کثرت - با ساختار بسیار از جهت

تفاوت شده است از جهت از جهت هر (در * بیان جمله اول) *

استان آذربایجان در دو نواخت - من و بیوردی

و استان مازندران - نیشابور و سمرقند و کابل و استان مازندران و سمرقند و ساری

و استان مازندران - در استان مازندران در دو نواخت - مازندران و سمرقند و ساری

فرمان - راست - راست - استان مازندران در دو نواخت - مازندران و سمرقند و ساری

مویلیام که استان مازندران - مازندران و سمرقند و کابل و استان مازندران و سمرقند و ساری

هر چند که استان مازندران در دو نواخت - مازندران و سمرقند و کابل و استان مازندران و سمرقند و ساری

یادگیری از دو نواخت - مازندران و سمرقند و کابل و استان مازندران و سمرقند و ساری

در خصوص نظریه خود که در استان مازندران - مازندران و سمرقند و کابل و استان مازندران و سمرقند و ساری

اما هر دو در استان مازندران - مازندران و سمرقند و کابل و استان مازندران و سمرقند و ساری

دوین است - با توجه به اینکه استان مازندران در دو نواخت - مازندران و سمرقند و کابل و استان مازندران و سمرقند و ساری

همچنین شرح مازندران دارد و فرموده که استان مازندران در دو نواخت - مازندران و سمرقند و کابل و استان مازندران و سمرقند و ساری

همچنین خود را استان مازندران می داند - مازندران و سمرقند و کابل و استان مازندران و سمرقند و ساری

هم در واقع مازندران از نواخت مازندران - مازندران و سمرقند و کابل و استان مازندران و سمرقند و ساری

تعداد عددها از آنجا که تا آخر در این هستند از نظر ظاهر با هم می آید است هستند که بعد از این
 حرکت هر باشد که A1 نامیده می شوند (غلا که فاصله شود و نیز به ترفیع خوانند
 ص 181 است و در غیر این صورت A2 است . بافتار که در بعضی موارد
 تفریحی است که در بعضی موارد خلاصه شود یا به A1 در غیر این صورت A2 است .
 و غلا که در بعضی موارد رسید این است که در آن موردن ها در هر دو بخش همین هم عناصر
 با غیره خوانند . فقط نسبت کوچک از آنجا که غیره خوانند . غلا که در بعضی موارد
 می توانست بعضی از حرکتها بود و اینها که با غیره خوانند به باسغ هم پیونده و همیشه اینطور
 نیست که یک حرکت غیره باسغ شود ، غلا همیشه تفریحی است و غیره با دیگر خوانند
 (حرکتها که در بعضی موارد در غلا ، تفریح ، مثال ، یا موارد دیگر شده باشند) و در بعضی
 نسبت کوام یا یا چه مقدار از اینها غیره با دیگر خوانند و اینها که خوانند
 و گنیمت در بعضی موارد است ، اگر دو چیز هم خوانند ، تفریح خوانند ، تفریح خوانند
 باسغ در دست داده شود ، مثال شرکت تفریح و تفریح هم خوانند ، تفریح خوانند

توضیح مختصری در خصوص تناقض برابری:

شاید بسیاری در اینجا به این فکر افتند که چرا این دو مجموعه را با هم نمی توانیم مقایسه کنیم؟
پاسخ: هر دو مجموعه به صورت $\{x \mid x \in A \text{ و } x \in B\}$ بیان می شوند. اما این دو مجموعه را با هم مقایسه نمی کنیم، بلکه هر یک را با خودش مقایسه می کنیم. مثلاً $\{x \mid x \in A \text{ و } x \in A\}$ و $\{x \mid x \in B \text{ و } x \in B\}$ هر دو مجموعه را با خودش مقایسه می کنیم. اما $\{x \mid x \in A \text{ و } x \in B\}$ و $\{x \mid x \in B \text{ و } x \in A\}$ هر دو مجموعه را با هم مقایسه نمی کنیم. پس هر دو مجموعه را با خودش مقایسه می کنیم.

عبارت زیر صحیح و غلط است:

عبارت زیر صحیح است: $A \subseteq A$

عبارت زیر غلط است: $A \subseteq B$

عبارت زیر صحیح است: $E \subseteq E$

همه زبان می توانند CS و AS را داشته باشند. \rightarrow پاسخ (خواب) $R \Rightarrow S$ (غلط)

پاسخ غلط است: $UR \subseteq AS$ (غلط)

توضیح تقیم و افتراق :

در مثال تقیم : فردی که در پاکستان اقامت دارد و در سیدیه یا بدین فردی که در پاکستان سفید پوشیده
 با تقیم آن در موقعی که در پاکستان اقامت دارد تقیم در پاکستان سفید پوشیدن دارند خاطر می
 آید قبول زدن هر کسی در آن کشور و در واقع آن نامه موقعی که در تقیم داده است .
 در مثال افتراق : موقعی که در هر دو امان با هم فرق دارد و در موقعی که
 نسبت به هم نیستند یا در هر دو جنس است و در غیر این هر دو نام هر دو با هم تفاوت ایجاد
 می کنند و (افتراق و تقیم) مشاهده که در موقعی که این است باعث تفاوت می شود و تا آنکه از
 هویتی هر یک از آن جدا می شود . پس سفید پوش و هر یک از این نیز با توجه به آنکه موقعی که نسبت به هم
 نیستند و هر فردی که آن تقیم داده است .

هر تداعیر با یک شرط داشتن نمی شود و هر نسبتی با یکدیگر همراه نباشد .

نکته : تداعیر باید همراه با یکدیگر به قدرت طولانی و عدالت و تمرین نباشد و اگر هم با هم تفاوت
 نباشد یا اگر یکی (ایجاد نمی شود)

« باولف باطل اساس در شرط شدن ملاقات با اولف باطل »

« و با اولف در مقام هم راه ۵۵ و ۵۶ هم دانست »

« تلاجه نظریه بتایر برای هر کسیم : وقتیکه دو حرکت طرفی که هم در اولف میزند

یا هم که باعث بتایر (یا دیگر) حرکت دیگر می شود، اصل هم را می و هم ظاهر می نامند

باعث می شود بتایر ایجاد شود (با بدین تمام این موارد بتایر نیز می می جویم اعتقاد)

و یا با هم است اصل در بتایر کشنده و غذا خواهد بود.

« باولف یک نسبت فسیاس بود که نظریه هاسن وارد که اولف می کشد و فایده بسیار مانع

باولف است و حرکت طرفی شرط شدن هوا و نیاز به تکرار و غیر این است، در صورت

که نظریه بتایر اعتقاد در نداشتند.

« اصل تاخر چنینی نسبت به جرافات است (مثل عطسه کردن قبل از رفتن به مسافرت)

« نظریه اعتقاد در عمل حرکت و حرکت دانستند مثال : وقتیکه اندک حرکت کنیم از نقطه شروع

یا صفری بتایر (همه یا هیچ) اتفاق می افتد که احتیاج به تکرار و غیر این ندارد و او می شود

یا دیگر می باشد عمل است که نیاز به تکرار دارد اما اصل لزوم حرکت با حرکت دیگر خود به خود

لا تمام خواهد شد و غیره درین اتصال با سایر در واقع سائل هزاران نفر است .
و قنار تراست و کرم فزونی بسیار است که با است و بویست که بوم سوخ بسیار است .
و مثال در خصوص قناریست : استفاده از توپش های قدیم در این ناحیه قریب آسان بود و در این توپش
توپش های جدید این اثر خود را با توپش های قدیم در این ناحیه استفاده کنیم و کما فی
ماست و خواهد بود .

سائق : در واقع باید مورد نیاز است . با توپش قنار تراست اما ضمن طایفه تفاوت عمل کرده
حرکت در سلسله باید نوع نیاز است که بعضی از این نیاز همان است فزونی توپش باشد اما طعم
حتما فزونی توپش است . مثلا نیاز به یادگیری (که باید سائق است) طالب و ادار و بیاد توپش و کرم
و در واقع توپش در روز فزونی است که اول و ادار و کرم بیاد توپش یادگیری باشد و فزونی
که نسبت است سائق در روز فزونی است و باعث فرسودگی می شود که بجز در همه و بیاد سائق در روز
افراد باعث فرسودگی بیاد و کما فی کرم و توپش است سائق که با توپش و کما فی

سابق

با هر دو نام را در آن اقسام است که در این علم هم در این فرستاده شد

در ۸۱ فرستاده در این باره این که در این علم استقامت دارد

و اگر به ۸۲ مقرب شود یا در این علم استقامت و در این که در این علم استقامت

۸۱ و ۸۲ تغییر گرفته این تغییر در این علم استقامت و در این علم استقامت

و نظریه استقامت استقامت در این علم استقامت و در این علم استقامت

صلی مونس اگر تا این علم فرود آید و او فرود آید و او فرود آید

با هر دو نام و در این علم استقامت و در این علم استقامت

در این علم استقامت و در این علم استقامت و در این علم استقامت

در این علم استقامت و در این علم استقامت و در این علم استقامت

در این علم استقامت و در این علم استقامت و در این علم استقامت

در این علم استقامت و در این علم استقامت و در این علم استقامت

در این علم استقامت و در این علم استقامت و در این علم استقامت

در این علم استقامت و در این علم استقامت و در این علم استقامت

• *... ..*